

تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

بتول جمالی زواره^۱

محمدرضا نیلی^۲

حوریه شادفر^۳

چکیده

کارآفرینی موضوعی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از مؤسسات آموزشی در کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. بنا بر نظر اکثر متخصصان حوزه کارآفرینی، بسیاری از قابلیت‌ها و مهارت‌های کارآفرینی، قابل آموزش است و در زمان حاضر این رسالت برعهده مؤسسات آموزشی است که مهارت‌های کارآفرینی را نیز به کارآموزان آموزش دهند. بنابراین، کارآفرینی باید در برنامه درسی موجود در دوره‌های فنی و حرفه‌ای گنجانده شود. هدف مقاله حاضر، طراحی برنامه درسی کارآفرینی بر مبنای الگوی عناصر برنامه درسی است. در این مقاله، برنامه درسی کارآفرینی بر اساس عناصر الگوی برنامه درسی، یعنی هدف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی تبیین می‌شود. علاوه بر آن، بر اساس سه نوع آموزش کارآفرینی، شامل آموزش درباره کارآفرینی، آموزش برای کارآفرینی و آموزش در کارآفرینی توضیحاتی ارائه می‌شود. روش کار توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات کتاب‌ها و مقالات معتبر استفاده شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که بنا بر دیدگاه اکثر صاحب‌نظران، کارآفرینی، فرایندی قابل آموزش بوده و بنابراین باید در برنامه درسی دانش-آموزان به‌خصوص دوره‌های فنی حرفه‌ای گنجانده شود. علاوه بر آن، برای اینکه برنامه درسی کارآفرینی نتیجه مطلوب داشته باشد و همخوانی مناسبی بین عناصر آن به‌وجود آید، باید قبل از آموزش درباره عناصر آن تصمیم‌گیری شود.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش فنی و حرفه‌ای، برنامه درسی، عناصر برنامه درسی.

Email: b.jamali@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه اصفهان،

۲. عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

۳. دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های مهم و جدی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام‌های آموزشی در همه کشورهای اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه گذار و انتقال دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار و اشتغال است. به میزانی که فرایند این گذر تسهیل شود، دانش‌آموزان پس از اتمام تحصیلات خود در مقاطع مختلف تحصیلی، می‌توانند به آرامی و بدون استرس و اضطراب و سرگردانی در بازار کار اشتغال یابند، بر کارایی نظام آموزشی نیز افزوده می‌گردد (شریعت‌زاده، ۱۳۹۳). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یکی از شیوه‌های عمده در تربیت نیروی متخصص است. سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جوامع امروزی، امری حیاتی است و عامل مؤثری در جهت رشد مهارت‌های افراد برای اشتغال در بخش‌های مختلف و در نتیجه کاهش بیکاری است. یکی از مهارت‌هایی که لازم است در برنامه‌های درسی دوره‌های مهارت‌آموزی گنجانده شود، کارآفرینی است. کارآفرینی موضوعی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از مؤسسات آموزشی در کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. بنا بر نظر اکثر متخصصان حوزه کارآفرینی، بسیاری از قابلیت‌ها و مهارت‌های کارآفرینی، قابل آموزش است و در زمان حاضر این رسالت بر عهده مؤسسات آموزشی است که علاوه بر آموزش‌های تخصصی، مهارت‌های کارآفرینی را نیز به کارورزان خود، آموزش دهند. کارآفرینی یکی از مباحث مهم و حیاتی است که باید در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای لحاظ شود؛ چراکه بازارکار نیازمند افرادی است که علاوه بر اینکه بتواند به‌طور مستقل به ایجاد کسب و کار اقدام نمایند، باید قادر باشند مشکلات و موانعی را که در بازار کار با آن مواجه می‌شوند، را نیز، مرتفع نمایند. برای اینکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اثربخشی بیشتری داشته باشند، باید آموزش‌های کارآفرینی در برنامه درسی این دوره‌ها ادغام شود. بنابراین، به‌منظور گسترش قابلیت‌های کارآفرینی در کارورزان باید با تجدیدنظر در برنامه‌های درسی، روحیه پژوهشگری، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی را در آنها رشد داد و آموزش‌های کارآفرینی را به‌صورت رسمی و غیررسمی به کارآموزان ارائه داد.

آموزش کارآفرینی: آموزش کارآفرینی که در دهه‌های اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است، در زمان حاضر در مرحله تغییرات پویا می‌باشد. بیشتر این پیشرفت‌ها، از این دیدگاه ناشی می‌شود که آموزش‌های کارآفرینی در همه سطوح می‌تواند به رشد

کارآفرینی کمک کند (مایرز و ادوارد؛ ۲۰۰۵). دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش می‌تواند فرصت مناسبی برای ارتقای کارآفرینی از طریق رشد نگرش، دانش و مهارت‌های کارآفرینانه باشد. بنابراین، در چند دهه اخیر، مؤسسات آموزشی شاهد تقاضای روزافزون برای دوره‌های آموزش کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک اقتصادی بوده‌اند. بر اثر این تقاضا، دانشگاه‌ها به ایجاد مراکز کارآفرینی مبادرت ورزیده‌اند؛ به طوری که آموزش‌های کارآفرینی، به‌طور وسیع، بخشی از برنامه‌های درسی مؤسسات آموزشی شده است. طبق نظر متخصصان، ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه درسی مؤسسات آموزشی باعث غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیران، افزایش ایجاد کسب و کارهای جدید توسط دانشجویان، ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریت کسب و کار، افزایش ارتباط میان مراکز علمی و صنعت و ایجاد فرصتی برای آزمودن محتوا و روش‌های تدریس کارآفرینی است (حسینی‌خواه، سلیمی و رستگار، ۱۳۸۶).

نیاز برای قرار دادن آموزش‌های کارآفرینی در آموزش رسمی، دغدغه بسیاری از تصمیم‌گیرندگان و محققان است. این مسئله به‌واسطه مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که لازمه زندگی جوانان می‌باشد و به‌وسیله کارآفرینی آموزش داده می‌شود. آموزش کارآفرینی جوانان را با مهارت‌های کارآفرینی آشنا می‌سازد و آنها را قادر می‌سازد تا با اطمینان وارد دنیای کار شوند و حس خودارزشی در آنها به‌وجود می‌آید (نیکری نا، ۲۰۱۰). پیترمن و کندی^۳ (۲۰۰۳) در پژوهش خود شواهدی یافت که تجارب کارآفرینی فراگیران در طول آموزش، تمایل آنها را برای ایجاد کسب و کارهای جدید تقویت می‌کند. بنابراین، مهم است که کارآفرینی، به‌منظور ایجاد فرهنگ کارآفرینی ترویج شود و این امر از طریق آموزش‌های جدید و اثربخش کارآفرینی انجام شود (بی‌جرک، ۲۰۰۸).

برنامه درسی کارآفرینی

از واژه برنامه درسی که ارنشتاین آن را قلب آموزش می‌نامد، مفاهیم مختلفی در نظر گرفته شده است. برای مثال آیزنر^۵ (۲۰۰۲)، مفهوم برنامه درسی را در دو بعد مورد بررسی قرار می‌دهد. در معنای وسیع، برنامه درسی به آنچه در موسسه آموزشی،

1. Edwards & Muirs
2. Nkirina
3. Peterman & Kennedy
4. Bejerk
5. Eisner

آموزش داده می‌شود اشاره دارد؛ در معنای محدودتر برنامه‌دستی به فعالیت‌های آموزشی طراحی شده‌ی خاص، برای فراگیران خاص و در مدت زمان خاص اطلاق می‌شود. پوزنر، دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی برنامه‌دستی را مورد بررسی قرار داده و اظهار می‌دارد: برخی معتقدند برنامه‌دستی محتوا، استانداردها و اهدافی است که مؤسسات آموزشی برای فراگیران تدارک می‌بینند و برخی دیگر نیز برنامه‌دستی را مجموعه‌ای از راهبردهای آموزشی معلم می‌دانند که برای استفاده طرح‌ریزی می‌شود (۲۰۰۴، ص ۱۵). عناصر مختلفی در شکل‌گیری برنامه‌دستی یک دوره‌ی آموزشی مؤثر است که از دیدگاه‌های مختلف، متفاوت می‌باشد و از یک تا نُه عنصر را در بر می‌گیرد (مهرمحمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). تابا مدل هفت مرحله‌ای عناصر برنامه‌دستی را پیشنهاد می‌کند که این مراحل عبارت‌است از: تشخیص نیازها، فرمول‌بندی هدف‌ها، انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، انتخاب تجربیات یادگیری، سازماندهی تجربیات یادگیری و ارزشیابی (سیلور، الکساندر و لوئیس، ۱۳۷۸، ص ۴۷). کامل‌ترین الگو، متعلق به کلاین می‌باشد که عناصر برنامه‌دستی را به نُه بخش تقسیم می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۷)؛ این عناصر عبارتند از: هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس، منابع و ابزار یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و محیط، گروه‌بندی دانش‌آموزان. اما رایج‌ترین الگوی، الگوی چهارمرحله‌ای است که در ادامه برنامه‌دستی کارآفرینی بر اساس این ۴ عنصر ارائه می‌گردد:

۱. هدف: برای آموزش‌های کارآفرینی در سطح دبیرستان‌های کار و دانش اهداف مختلفی از جمله، تربیت نیروی کارآفرین متناسب با نیازهای جامعه، ارتقای سطح دانش فراگیران نسبت به کارآفرینی، آموزش کارآموزان و فراهم آوردن امکانات آموزشی با توجه به آخرین پیشرفت‌های حاصل در روش‌های تعلیم و تربیت کارآفرینان، (کردنائیج، احمدپورداریانی و شمس، ۱۳۸۴ ص ۱۴۸) در نظر گرفته شده است. بهبود و افزایش انگیزه و سایر توانمندی‌های کارآفرینی، فراهم کردن امکان شناخت روش‌ها و طرح‌های حمایتی صنایع کوچک و نحوه‌ی به‌کارگیری آنها در طراحی برنامه‌ریزی فعالیت‌های کارآفرینی برای شرکت‌کنندگان، ایجاد توانایی شناسایی یک محصول مناسب و سپس طرح‌ریزی و اجرای پروژه‌های تولیدی مورد نظر، ایجاد زمینه‌ی فراگیری فناوری و مدیریت ساده مورد نیاز اداره‌ی صنایع کوچک، کسب صلاحیت تهیه و ارائه‌ی یک طرح توجیهی قابل‌قبول، (آموزش بین‌المللی توسعه‌ی سرمایه‌گذاری‌های کوچک،

۱۳۷۶، ص ۴۵)، اهداف دیگری است که برای آموزش کارآفرینی ذکر شده است. برخی متخصصان معتقدند آموزش کارآفرینی شامل ایجاد نگرش و مهارت های کارآفرینانه و نه صرفاً آموزش برای ایجاد یک شغل جدید و رشد قابلیت های کارآفرینی و سرمایه گذاری است (نئودین و ریچاردسون، ۲۰۰۷). به طور کلی، اهداف آموزش کارآفرینی را با توجه به اهداف مختلفی که در نظر گرفته شده، می توان به سه دسته ایجاد نگرش، دانش و مهارت کارآفرینی در بین دانشجویان تقسیم کرد.

۲. محتوا: محتوای مورد نظر در آموزش کارآفرینی، با توجه به اهداف و سطح آموزش و از دیدگاه متخصصان مختلف، متنوع است. هیسریچ و پیترز^۱ (۱۹۹۸)، مهارت های اساسی مورد نیاز برای کارآفرینی را به شرح زیر بیان می کنند:

- مهارت های فنی شامل ارتباطات کتبی و شفاهی، تکنیک های مدیریت و سازماندهی مهارت ها؛

- مهارت های مدیریت شغلی: شامل برنامه ریزی، تصمیم گیری، بازاریابی و مهارت های حسابداری؛

- مهارت های کارآفرینی شخصی شامل کنترل درونی، نوآوری، ریسک پذیری و نوآوری؛

هینس (۱۹۹۶)، بین آموزش کارآفرینی و مهارت آموزی کارآفرینی تفاوت قائل می شود (جدول ۱). وی آموزش کارآفرینی را فرآیند یا مجموعه ای از فعالیت ها می داند که هدف آن توانا ساختن افراد برای درک، هضم و رشد و گسترش دانش، مهارت ها، ارزش و درک کارآفرینی است و به زمینه محدودی از فعالیت ها محدود نیست؛ بلکه گستره وسیعی از مسائل را شامل می شود که باید تعریف، تحلیل و حل شود. آموزش کارآفرینی هم می تواند رسمی و هم غیررسمی باشد و اغلب پیش نیاز مهارت آموزی تلقی می شود، به گونه ای که آن پایه ای را برای مهارت ها و توانایی ها فراهم می کند. در مقابل، مهارت آموزی کارآفرینی به عنوان تلاش طراحی شده و سیستماتیک است تا دانش و مهارت را از طریق تجارب یادگیری و به منظور دستیابی به عملکرد مؤثر در یک فعالیت یا گستره ای از فعالیت ها رشد دهد. مهارت آموزی کارآفرینی معمولاً کوتاه مدت است (هینس، ۱۹۹۶).

محتوای درسی کارآفرینی باید متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی آن جامعه باشد. برای مثال، آموزش فرصت های کارآفرینانه موجود در سایر کشورها، به فراگیران

1. Naudin & Richardson,
2. Hisrich & Peters

ایرانی، یا روش باز کردن حساب بانکی و میزان سود بانک‌های کشورهای دیگر، در محتوای درسی ایران برای کارآموزان، متمرکز نیست. بنابراین، اگر قرار باشد محتوا، از دوره‌های اجرا شده در کشورهای پیشرفته و موفق گرفته شود، باید متناسب با شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تا حد امکان بومی‌سازی شود (حسینی‌خواه، سلیمی و رستگار، ۱۳۸۶). اما به‌طور کلی، می‌توان گفت محتوای مورد نظر برای آموزش کارآفرینی باید شامل موارد زیر باشد: تعریف کارآفرینی، ضرورت کارآفرینی، انواع کارآفرینی (فردی و سازمانی)، ویژگی‌های کارآفرینان، تاریخچه کارآفرینی، نیاز برای رشد کارآفرینی در کشور، نوآوری و تولید محصولات یا خدمات جدید و یا ایده‌های جدید، چگونگی ارزشیابی از ایده‌ها، مهارت‌های بازاریابی، حسابداری و مدیریت منابع مالی، مسائل قانونی در تأسیس شرکت.

جدول (۱) مقایسه بین آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی کارآفرینی
(اقتباس از هینس ۱۹۹۶)

عوامل مقایسه	مهارت‌آموزی کارآفرینی	آموزش کارآفرینی
فعالیت‌ها	شناخت مهارت‌ها، توانایی‌ها و عملکردهای شغلی	رشد ساختارمند افراد برای دستیابی به نتایج خاص
میزان وضوح اهداف	اهداف به‌طور خاص و روشن بیان می‌شود	اهداف به صورت کلی بیان می‌شود
مدت برگزاری دوره	کوتاه مدت	دوره‌های خاص و مشخص
ارزش‌ها	تأکید بر بهبود مهارت‌ها	تأکید روی پیشرفت
فرایند یادگیری	سازمان‌یافته و مکانیکی	سازمان‌یافته و مکانیکی
روش‌های آموزش	نمایشی - تمرین، بازخورد	سخنرانی، مطالعه منابع، بحث، یادگیری خودآموز
نتایج	عملکرد ماهرانه به گونه‌ای که منجر به ایجاد شغل شود	نتایج مشخص شده (آگاهی و شناخت در مورد کارآفرینی)
راهبردهای یادگیری	فردمحور	ترکیبی از تعلیم، ساخت مهارت‌ها و راهبردهای رهبری و مدیریت

جدول (۱) مقایسه بین آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی کارآفرینی
(اقتباس از هینس ۱۹۹۶)

عوامل مقایسه	مهارت‌آموزی کارآفرینی	آموزش کارآفرینی
محتوا	دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مرتبط با شغل خاص	برنامه درسی مشخص و خاص
ماهیت فرایند یادگیری	خارجی و به‌وسیله دیگران انجام می‌شود	خارجی و به‌وسیله دیگران انجام می‌شود
نقش مربیان	توضیح‌دهنده و راهنما	به عنوان متخصص عمل می‌کند. فراگیران را آموزش می‌دهد و برای مطالعه منابع یادگیری را معرفی می‌کند.
فلسفه زیربنایی	ابزارگرایی، انتقال دانش با استفاده از روش‌های رسمی و اندازه‌گیری نتایج	ترکیبی از ابزارگرایی و وجودگرایی
فرایند ارزشیابی	ارزشیابی براساس استانداردهای عملکرد شغل خاص	ارزشیابی در قالب قبولی یا رد
ارتباط با رسالت‌های سازمان	ضرورتاً با رسالت‌ها و اهداف سازمان ارتباط ندارد	ضرورتاً با رسالت‌ها و اهداف سازمان ارتباط ندارد.

نحوه استفاده از امکانات و تسهیلات برای ایجاد شرکت، مدیریت کسب و کار، شکست‌های تجاری و نحوه به حداقل رساندن آنها.

۳. راهبردهای تدریس: بررسی ادبیات و متون تخصصی در زمینه کارآفرینی نشان می‌دهد که روش‌های یادگیری که برای آموزش کارآفرینی به‌کار می‌رود، بسیار متنوع است و شامل سخنرانی، روش توضیحی و کتابچه‌های راهنما تا آموزش‌های ویدئویی، مطالعه موردی، بحث گروهی و ایفای نقش است. روش‌های سنتی و غیرسنتی هر دو

در آموزش کارآفرینی به‌کار رفته است. بعضی متخصصان برای مثال دیویز و گیب^۱ (۱۹۹۱)، به نقل از هنری، هیل و لیتچ، (۲۰۰۵A) مخالف استفاده از روش‌های آموزش سنتی هستند که اساساً بر رویکردهای نظری مبتنی است و نشان می‌دهد که این رویکردها در تدریس کارآفرینی نامناسب است. در یک دیدگاه مشابه، داگلاس و شپرد^۲ (۱۹۹۶)، استفاده از روش‌های جدید مانند مطالعات موردی، ایفای نقش، شبیه‌سازی و روش‌های تدریس حل مسئله را مورد بررسی قرار داده و بیان می‌کند که این روش‌ها، به‌طور واقعی تفکر منطقی را به جای تفکر خلاق و کارآفرینانه ارتقاء می‌دهد. یانگ^۳ (۱۹۹۷)، به نقل از به نقل از هنری، هیل و لیتچ، (۲۰۰۵A) ارتباط و ارزش رویکردهای تئوری را برای یک موضوع که تقریباً با فعالیت مرتبط است، مورد بررسی قرار داد و نشان داد که تجربه و مهارت‌های عملی مورد استفاده به‌وسیله کارآفرینان ممکن است از طریق روش‌های تدریس مباحثه‌ای به‌دست بیاید. در یک تلاش برای بررسی رویکردهای دیگر در تدریس کارآفرینی مککلند و بودریج^۴ (۱۹۹۱) دو روش تدریس پروژه و مطالعه موردی را با هم مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که فراگیران اعتقاد دارند که روش مطالعه موردی در رشد مهارت‌های تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات مؤثر است. دوره‌هایی که پروژه‌محور هستند، دانش و فهم فراگیران را از موضوع و توانایی ارزشیابی را رشد و گسترش می‌دهد و اعتقاد داشتند که این روش در آموزش کارآفرینی مؤثرتر است. به‌طور کلی، می‌توان گفت، برای تدریس کارآفرینی از یک سبک نمی‌توان استفاده کرد، بلکه با توجه به هدف، محتوا و سطح آموزش، می‌توان از بین روش‌های موجود مناسب‌ترین آنها را انتخاب کرد. در جدول ۲ عناصر برنامه درسی کارآفرینی به‌طور خلاصه ارائه شده است.

-
1. Davies & Gibb
 2. Douglas & Shepherd
 3. Yaung
 4. Maclelland & Boberge

جدول (۲) عناصر برنامه درسی کارآفرینی

الگوی برنامه درسی کارآفرینی	
هدف	ایجاد نگرش، دانش و مهارت کارآفرینی در سطح شناختی، عاطفی و روان حرکتی.
محتوا	مفاهیم، اصول و اندیشه‌هایی مربوط به کارآفرینی، شیوه‌های حل مسئله، مهارت‌های مدیریتی، فنی، حسابداری، طراحی، اجرا و شروع به‌کار یک کسب و کار کوچک.
فعالیت‌هایی یاددهی-یادگیری	راهبردهای سنتی و جدید تدریس با توجه به نوع و موضوع (سخنرانی، روش‌های توضیحی، مباحثه، روش‌های پروژه، حل مسئله، روش‌های فرصت‌محور، بارش مغزی، ایفای نقش و روش‌های عملی).
ارزشیابی	تکوینی و تراکمی به‌صورت کتبی، ارائه راه‌حل، ارائه ایده‌های جدید، تبدیل ایده به کسب و کار.

عناصر برنامه درسی کارآفرینی بر اساس نوع آموزش

لوئیس و مسی^۱ ۲۰۰۳ و کرسول^۲ به نقل از ادواردز و مایر^۳، ۲۰۰۵، سه طبقه برای سازماندهی آموزش کارآفرینی پیشنهاد کرده است: آنها بین آموزش درباره کارآفرینی، آموزش برای کارآفرینی و آموزش در کارآفرینی تفاوت قائل شده‌اند. آنها معتقدند برای این سه جنبه، سه نوع محتوای مختلف وجود دارد. در این بخش عناصر چهارگانه برنامه درسی بر اساس این سه نوع آموزش ارائه می‌شود:

الف) آموزش درباره کارآفرینی: آموزش درباره کارآفرینی، که در برخی متون تخصصی آموزش‌های ترغیبی کارآفرینی نیز نامیده می‌شود، اساساً به ایجاد آگاهی درباره کارآفرینی مرتبط است و موضوعات خاصی را برای آموزش دانشجویان در جنبه‌های مختلف ایجاد و راه‌اندازی یک کار، اساساً به‌صورت تئوری دارد. همچنین، این نوع آموزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای کارآفرینی را نیز ارتقاء می‌دهد. آموزش‌هایی مانند کلیاتی درباره کارآفرینی در کسب و کار، ایجاد دوره‌هایی در جهت

1. Messey & Lewis
2. Cressswell
3. Edwards & Muirs

ایجاد مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مورد نیاز برای آغاز، مالکیت و مدیریت کار در یک سرمایه‌گذاری شغلی موفق، در این حیطه قرار می‌گیرد (لوئیس و مسی، ۲۰۰۳ و کرسول به نقل از ادواردز و مایر).

هدف در این بخش آشنایی دانشجویان با مفاهیم بنیادی کارآفرینی است. این هدف‌ها اغلب به حوزه شناختی و درک و فهم مربوط است و بردانش‌افزایی تأکید دارد و در حیطه عاطفی به‌طور عمده به ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی می‌پردازد. محتوا در قالب مفاهیم، اصول و اندیشه‌هایی است که درباره کارآفرینی وجود دارد. به عبارت دیگر، مفاهیم کلی کارآفرینی شامل تعریف کارآفرینی، تاریخچه شکل‌گیری، کارآفرینان، ویژگی‌های کارآفرینان، مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینی و مسائلی از این قبیل اغلب به صورت تئوری تدریس می‌شود. راهبردهای تدریس، اغلب راهبردهای سنتی تدریس از قبیل، روش‌های توضیحی، سخنرانی و مباحثه است. ارزشیابی که به‌منظور تعیین میزان دستیابی به اهداف آموزشی در نظر گرفته می‌شود، در این قسمت به‌صورت تکوینی و تراکمی و به‌صورت امتحانات کتبی یا شفاهی انجام می‌شود.

ب) آموزش برای کارآفرینی: آموزش برای کارآفرینی، بیشتر با ایجاد اشتیاق در کارآفرینان برای خوداشتغالی در کسب و کارهای خاص، ارتباط دارد. در این آموزش به شرکت‌کنندگان مهارت‌های مختلف موردنیاز برای ایجاد و مدیریت کسب و کار کوچک داده می‌شود و دوره‌ها اغلب به سمت ایجاد و طراحی یک شغل است. برنامه‌های طرح ایجاد و آغاز به کار یک کسب و کار، مثال‌هایی از این نوع آموزش کارآفرینی است. به عبارت دیگر، این نوع آموزش، به آموزش افراد برای آغاز یک کسب و کار و با تأکید روی ایجاد و آغاز یک کسب و کار کوچک اشاره دارد (لوئیس و مسی، ۲۰۰۳ و کرسول به نقل از ادواردز و مایر).

هدف در این بخش، ایجاد دانش و مهارت‌های کارآفرینی شامل آشنایی کارآموزان با مهارت‌های حل مسئله، کشف و ایجاد فرصت‌ها، چگونگی رفع مشکلات مالی و مسائل مشابه است.

1. Messey & Lewis
2. Cresswell
3. Messey & Lewis
4. Cresswell

محتوایی که در این بخش آموزش داده می شود شیوه های ایجاد یا کشف فرصت ها و استفاده از فرصت های پیش رو، چگونگی حل مسائل و مشکلات، ایجاد و گسترش مهارت های خلاقیت و نوآوری، مسائل مالی و بازاریابی، مسائل قانونی در ایجاد یک کسب و کار، مسائل مربوط به مدیریت و رهبری، نحوه جلوگیری از شکست های شغلی و مسائلی مانند این می باشد.

راهبردهای تدریس، اغلب شامل راهبردهای سنتی تدریس از قبیل روش های توضیحی، سخنرانی و مباحثه و هم راهبردهایی مانند بارش مغزی، روش پروژه، حل مسئله و یادگیری فرصت محور است. در این مرحله از آموزش سعی می شود که دانشجویان با شیوه های برخورد با مشکلات از طریق روش هایی مانند ایفای نقش و برنامه های شبیه سازی شده آشنا شوند.

ارزشیابی از آموخته ها به صورت ارائه مسائل و مشکلات از طرف مربیان صورت می گیرد. دانشجویان راه حل های مورد نظر خود را در قالب پروژه های فردی و گروهی ارائه می دهند و از این طریق مهارت هایی که دانشجویان طی دوره کسب کرده اند، ارزشیابی می شود.

ج) آموزش در کارآفرینی: آموزش در کارآفرینی به طور اساسی به تربیت مدیران برای کارآفرینی و ایجاد اطمینان برای رشد و توسعه شغل در آینده متمرکز است. برنامه های رشد و تربیت مدیران کارآفرین و توسعه محصول خاص، می تواند در این طبقه قرار گیرد. علاوه بر این، چنین آموزشی، مهارت ها، دانش و نگرش هایی را برای افراد ایجاد می کند تا آینده کاری خود را بسازند و آنها را قادر سازد مسائل شغلی خود را حل کنند. اگرچه این طبقه از آموزش کارآفرینی اغلب اوقات به رویکردهای کارآفرینی در دنیای حرفه ای اشاره دارد، اما تنها محدود به افراد کارآفرین نیست. این نوع آموزش های کارآفرینی می تواند شامل دوره هایی باشد که هدف آن کمک به افراد یا گروه ها برای انطباق با رویکردهای کارآفرینی، بدون در نظر گرفتن سازمانی است که در آن کار می کنند (لوئیس و مسی، ۲۰۰۳ و کرسول به نقل از ادواردز و مایر).

هدف اصلی در این نوع آموزش، ایجاد مهارت‌های کارآفرینی است، به گونه‌ای که دانشجویان بتوانند یک فعالیت اقتصادی را طراحی و اجرا کنند. محتوایی که در این دوره ارائه می‌شود شیوه‌های کشف فرصت‌های محیطی و یا ایجاد یک فرصت، نوشتن طرح توجیهی فعالیت اقتصادی مورد نظر، شیوه‌های تأمین اعتبارات مالی برای طرح، شناخت حامیان طرح، مسائل حقوقی، بازاریابی محصول تولیدشده و مسائلی شبیه این است. راهبردهای تدریس با توجه به محتوا و سطح آموزش به‌طور عمده راهبردهای عملی و یا شیوه یادگیری حین عمل است، همچنین می‌توان از شیوه‌هایی مانند حل مسئله و یادگیری فرصت‌محور استفاده کرد. ارزشیابی از طریق ارائه طرح‌های توجیهی قابل اجرا و تعداد ایده‌هایی که به فعالیت اقتصادی منجر شده است، صورت می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های درسی کارآفرینی به بسیاری از نظام‌های آموزشی سرتاسر جهان وارد شده است و به نظر می‌رسد در سال‌های آینده به یکی از مهم‌ترین موضوعات آموزشی مؤسسات آموزشی مختلف تبدیل شود؛ چراکه آموزش‌های کارآفرینی توسط این مؤسسات، هم به عنوان علاج شکست‌های شغلی و حرفه‌ای و بیکاری و هم به عنوان ابزاری برای ایجاد فرهنگ کارآفرینی تلقی می‌شود. برای رشد بیشتر فارغ‌التحصیلان مراکز فنی حرفه‌ای، ایجاد برنامه‌های درسی کارآفرینی ضروری به نظر می‌رسد؛ از این مؤسسات انتظار می‌رود برنامه درسی مؤثری را برای آموزش کارآفرینی تدوین کنند. از طرف دیگر، هر برنامه درسی برای اینکه اثربخشی و کارایی لازم را داشته باشد، باید از همخوانی درونی برخوردار باشد (کلاین، ۱۳۸۷). این همخوانی درونی در صورتی به‌وجود می‌آید که قبل از اجرای هر برنامه درسی، درباره عناصر مختلف تصمیمات مقتضی گرفته شود تا برنامه درسی از اثربخشی لازم برخوردار باشد. برنامه‌های درسی کارآفرینی نیز از این قاعده مستثنی نیست و بسته به نوع آموزش باید تصمیمات خاص گرفته شود. در این مقاله برای یک دوره آموزش کارآفرینی، با توجه به نوع آموزش شامل آموزش درباره کارآفرینی، آموزش برای کارآفرینی و آموزش در کارآفرینی و بر اساس الگوی عناصر برنامه درسی به تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی پرداخته شده است که خلاصه آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) عناصر برنامه درسی کارآفرینی بر اساس نوع آموزش

نوع آموزش	آموزش درباره کارآفرینی	آموزش برای کارآفرینی	آموزش در کارآفرینی
هدف	ایجاد و گسترش نگرش و دانش کارآفرینی	ایجاد دانش و مهارت‌های کارآفرینی	ایجاد مهارت کارآفرینی
محتوا	مفاهیم، اصول و اندیشه‌های مربوط به کارآفرینی	شیوه‌های ایجاد یا کشف فرصت‌ها و استفاده از فرصت‌های پیش‌رو، مهارت‌های حل مسئله	شیوه‌های طراحی، اجرا و شروع به کار یک کسب و کار کوچک
راهبردهای یاددهی - یاددهی	راهبردهای سنتی تدریس شامل روش‌های توضیحی، سخنرانی و مباحثه	راهبردهایی مانند حل مسئله، یادگیری فرصت‌محور، روش پروژه، بارش مغزی	یادگیری عملی (یادگیری از طریق انجام دادن کار در موقعیت واقعی)
ارزشیابی	تکوینی و تراکمی به صورت آزمون‌های کتبی و شفاهی	به صورت ارائه راه‌حل از طرف کارآموزان برای مسائل مطرح شده	بررسی تعداد طرح‌ها و ایده‌های پیشنهادی از طرف کارآموزان. بررسی تعداد ایده‌هایی که تبدیل به یک کسب و کار شده است.

در پایان باید خاطر نشان کرد که برنامه درسی کارآفرینی مانند هر برنامه درسی دیگر، فرایندی ثابت نیست؛ بلکه پویاست و باید بر اساس نیازها و شرایط محیطی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

منابع

آموزش بین‌المللی توسعه سرمایه‌گذاری‌های کوچک. (۱۳۷۶). *توسعه کارآفرینی (آموزش، برنامه‌ریزی، اجرا)*، ترجمه طاهره فرخی، ماهنامه تعاون، شماره ۷۵، ۴۳-۴۷.

حسینی خواه، ع؛ سلیمی، ج و رستگار، ا (۱۳۸۶). آیا کارآفرینی را می‌توان آموزش داد؟، *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۸۹ و ۹۰، صص ۴۸-۴۲.

سیلور، ج. گ؛ الکساندر، و. ام و لوئیس، آر. جی (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، چاپ پنجم، مشهد: شرکت به نشر.

شریعت زاده، م (۱۳۹۳). فرایند گذار دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار در ایران، *رشد آموزش فنی و حرفه‌ای*، سال ۹ شماره ۲، صص ۱۹-۱۶.

کرد نائیج، ا. احمدپورداریانی، م. و شمس، ش (۱۳۸۴). طراحی ساختار سازمانی مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در کشور، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، شماره ۹، صص ۱۵۶-۱۱۹.

کلاین، ام. اف (۱۳۸۷). الگوی طراحی برنامه درسی، *مندرج در: برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها*، چاپ اول، تهران: سمت، مشهد: آستان قدس رضوی.

مهرمحمدی، م (۱۳۸۷). برنامه درسی و نسبت آن با سایر رشته‌های علوم تربیتی، *مندرج در: برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها*، چاپ اول تهران: سمت، مشهد: آستان قدس رضوی.

Bejerk, B. (2008). *Understanding entrepreneurship*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publication, LTD.

Edwards, L. J. and Muir, E. J. (2005). Promoting entrepreneurship at university of Glamorgan through formal and informal learning. *Journal of Small Business and Enterprise development*, Vol. 12, N.4. pp.613-626.

Eisner, E. (2002). *The educational imagination: On the design and evaluation of school programs*. Upper Saddle River, N. J: Prentice-Hall.

Henry .C.; Hill, F. and Litech, C. (2005). Entrepreneurship and Training: can entrepreneurship be taught? Part I, *Education & Training*, Vol.47, N. 2/3, pp.95-109.

- Heynes, B. (1996). Entrepreneurship education and training: Introducing entrepreneurship non-business disciplines. *Journal of European Industrial Training*, Vol. 20, N.8, pp. 10-17.
- Hisrich, R. D. and Peters, M. P. (1998). Entrepreneurship. Boston: Irwin McGraw Hill.
- Neodin, B. and Richardson, I. (2007). Entrepreneurship education: A mechanism for engaging and exchanging with the smart business sector. *Education & Training*, 49, (8/9), 732-744
- Lewis, K. and Messey, C. (2003). (Delivering enterprise education in Newzland, *Education & Training*, Vol.45 ,N.4, pp.197-206.
- Mcmulland, C. A. and Boberg, A. L. (1991), The relative effectiveness of projects in teaching entrepreneurship, *Journal of Small Business and Entrepreneurship*, Vol.9, N.3, pp. 14-24.
- Nkirina, S. (2010), The challenge of integrating entrepreneurship education in the vocational training system, *Journal of European Industrial Training*, 34, (2), 153-166.
- Peterman, N. E. and Kennedy, J. (2003), Enterprise education, influencing student's perceptions of entrepreneurship, *Entrepreneurship – Theory and Practice*, Vol. 28, N. 2 ,pp.129-144.
- Postner, G. J. (2004). Analyzing the curriculum, Boston: Mc Crow.
- Peterman, N. E., Kennedy, J. (2003). Enterprise education: influencing student's perception of entrepreneurship, *Theory & Practice*. 28, (2), 129-144.